

# النقطة الثالثة: في قسمة الخمس

## محور سوم:

### در تقسیم خمس

يقسم الخمس ستة أقسام (1)؛ ثلاثة أقسام منها للنبي (صلى الله عليه وآله وسلم) وهي: سهم الله، وسهم رسوله، وسهم ذي القربى، وهو الإمام ع، عن سليم بن قيس، قال: (سمعت أمير المؤمنين ع يقول: نحن والله الذين عنى الله بذى القربى، الذين قرنهم الله بنفسه ونبيه (صلى الله عليه وآله وسلم)، فقال: (مَا أَقَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرْبَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ) (2)، منا خاصة، ولم يجعل لنا سهماً في الصدقة، أكرم الله نبيه وأكرمنا أن يطعمنا أو ساخ ما في أيدي الناس) (3).

خمس به شش قسمت تقسیم می شود (4) سه قسمت از آنها برای پیامبر (صلى الله عليه وآله وسلم) است که عبارت‌اند از: سهم خدا، سهم رسولش و سهم ذی‌القربی که امام ع می‌باشد. سلیمان قیس می‌گوید: شنیدم امیرالمؤمنین ع فرمود: (به خدا سوگند! ما همان مقصود خداوند از ذی القربی هستیم؛ همان کسانی که خداوند آنان را با خود و

---

1- قال العبد الصالح موسى بن جعفر ع: (... ويقسم بينهم الخمس على ستة أسهم : سهم لله ، وسهم لرسول الله ، وسهم لذی القربى ، وسهم للیتامى ، وسهم للمساكين ، وسهم لأبناء السبيل . فسهم الله وسهم رسول الله لأولي الأمر من بعد رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) وراثه فله ثلاثة أسهم: سهمان وراثه وسهم مقسوم له من الله، وله نصف الخمس كمالاً ونصف الخمس الباقي بين أهل بيته ، فسهم لیتاماهم وسهم لمساكينهم وسهم لأبناء سبيلهم ..) الكافي : ج 1 ص 539 ح 4.

2- الحشر : 7.

3- الكافي : ج 1 ص 539 ح 1.

1- بنده صالح ، موسى بن جعفر ع می‌فرماید: (... و خمس بين آنان بر شش قسمت تقسیم می‌شود: یک سهم برای خدا، سهم دیگر برای رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم)، سهم سوم برای ذی‌القربى، سهم چهارم برای یتیمان، سهم پنجم برای مساکین و سهم ششم برای در راه ماندگان است. سهم خدا و رسول ارثی برای اولی‌الامر بعد از رسول خدا است، پس برای اولی‌الامر سه سهم است که دو سهم ارث، و یک سهم سهمی است که خدا برای او معین و مقرر نموده است. بنابراین نصف کامل خمس برای اولی‌الامر است و نصف دیگر برای اهل بیت ایشان است که یک سهم برای یتیمان آنان، یک سهم برای مسکین‌هایشان، و سهم سوم نیز برای در راه ماندگان آنان است... ) کافي: ج 1 / ص 539 / ح 4.

نبی خود قرین ساخته و فرموده است: ((آنچه خداوند از مردم قریه‌ها، نصیب فرستاده‌اش کرده است از آن خدا است و از آن پیامبر و خویشاوندان، و از آن یتیمان و مسکینان))؛<sup>(۵)</sup> یعنی به طور خاص از ما و برای ما سهمی در صدقه قرار نداد، بلکه خداوند پیامبرش و ما را گرامی داشت تا از چرک‌های آنچه در دست مردم است به ما نخوراند.<sup>(۶)</sup>

**وإذا مات الإمام تكون هذه الأسهم الثلاثة للإمام القائم مقامه.**  
اگر امام بمیرد این سهم‌های سه‌گانه از آن امامی خواهد بود که جانشین وی می‌گردد.

**وما كان قبضه النبي (صلى الله عليه وآله وسلم) أو الإمام ينتقل إلى وارثه بموته، ومن ثم فما كان في يد فاطمة عليها السلام من أرض فدك هو لها؛ فإن النبي (صلى الله عليه وآله وسلم) ليس فقط قبضه في حياته وإنما وهبها إياها. ومنعهم لها بالأمس كمناعة الفقهاء الخونة اليوم وغصبهم حق آل محمد (عليهم السلام) بلا أي فرق.**

آنچه پیامبر (صلى الله عليه وآله وسلم) یا امام دریافت کرده است با مرگش به وارثش منتقل می‌شود؛ از اینرو آنچه از زمین فدک که در اختیار حضرت فاطمه (علیها السلام) بود متعلق به خودش بود، زیرا پیامبر (صلى الله عليه وآله وسلم) نه تنها آنرا در زمان حیاتش ستانده بود، بلکه آنرا به وی نیز بخشیده بود و ممانعت آنها در گذشته، بی هیچ تفاوتی همانند ممانعت فقهای خائن و غصب حق آل محمد (علیهم السلام) در زمان فعلی است.

**هذا بالنسبة للأقسام الثلاثة الأولى، وأما الثلاثة المتبقية فهي: للأيتام، والمساکين، وأبناء السبيل.**  
این در خصوص سه قسمت اول بود. اما سه قسمت باقی مانده متعلق است به ایتام، مساکین و در راه ماندگان.

### **ويعتبر في الطوائف الثلاث:**

در این گروه‌های سه‌گانه موارد زیر در نظر گرفته می‌شوند:

**۱- انتسابهم إلى عبد المطلب بالأبوة، فلو انتسبوا بالأم خاصة لم يعطوا من الخمس شيئاً.**

**۱- انتساب آنها از سوی پدر به عبدالمطلب. اگر انتساب آنها از طرف مادر باشد**

۲- حشر: ۷.

۱- کافی: ج ۱/ ص ۵۳۹/ ح ۱.

چیزی از خمس به آنها داده نمی‌شود.

**۲- الحاجة، فالمسكين معروف حاله وهو الذي لا يملك مؤونة أصلاً، واليتيم يعتبر فيه الفقر، وهو أن يملك مؤونة ولكنها لا تكفيه. وأما ابن السبيل فلا يعتبر فيه الفقر، بل تعتبر الحاجة في بلد التسليم ولو كان غنياً في بلده.**

**۲-** نیاز و احتیاج. در مورد مسکین که وضعیّتش روشن است - او کسی است که به هیچ وجه خرجی ندارد- و در مورد یتیم، فقیر بودن در نظر گرفته می‌شود و کسی است که خرجی دارد ولی کفایتش نمی‌کند. اما در مورد در راه مانده، ویژگی فقیر بودن در نظر گرفته نمی‌شود بلکه نیاز و احتیاج در سرزمینی که خمس به وی داده می‌شود در نظر گرفته می‌شود اگرچه در سرزمین خود توانا و ثروتمند باشد.

**۳- الإيمان بالله و برسوله المصطفى (صلى الله عليه وآله وسلم) وآله الطاهرين الأئمة والمهديين (عليهم السلام)، فهو معتبر في المستحق، وأما العدالة فلا تعتبر.**

**۳-** ایمان به خدا و رسول برگزیده وی (صلى الله عليه وآله وسلم) و خاندان پاک ایشان ائمه و مهدیین (صلى الله عليه وآله وسلم) در مورد مستحق (خمس) در نظر گرفته می‌شود، ولی عادل بودن در نظر گرفته نمی‌شود.

**وإذا تبين أنّ هناك سهماً للسادة من بني هاشم، فالسؤال: لماذا لم يعطه أمير المؤمنين ع إلى أخيه عقيل في الحادثة المعروفة، بل أعطاه مثل ما أعطى الناس حسب الفهم القاصر؟**

حال که واضح شد سهمی برای سادات بنی‌هاشم وجود دارد، یک پرسش مطرح می‌شود: چرا امیر مؤمنان ع آنرا به برادرش عقیل در آن واقعه معروف نداد، بلکه طبق فهم کوتاه و سطحی- به وی به اندازه‌ای که به مردم داده بود پرداخت کرد؟

**الجواب: إن أهل بيت الإمام أو السادة هم عيال على الإمام، والإمام علي ع لم يقصر - وحاشاه - مع عقيل وقد أعطاه حقه، ولكن عقيلاً كان يريد من المال ما يستغني به ولم يرض الكفاف والعفاف، فامتنع أمير المؤمنين ع عن تلبية ذلك له.**

**پاسخ:** قطعاً اهل بیت امام یا سادات، خانواده امام هستند و امام علی ع در حق عقیل کوتاهی نکرد ایشان (از چنین نسبتی) منزّه است- و حقش را قطعاً به او داده

بود، ولی عقیل به اندازه‌ای مال می‌خواست که با آن توانمند و ثروتمند شود و به آن مقدار که موجب کفاف و بی‌نیازی‌اش شود راضی نبود و امیر مؤمنان ع از برآوردن چنین درخواستی امتناع ورزید.

## ثم إن هنا مسائل:

چند نکته:

**الأولى: مستحق الخمس في الطوائف الثلاث (المسكين والیتیم وابن السبیل) هو المؤمن من ولد عبد المطلب، وهم: بنو أبي طالب والعباس والحارث وأبي لهب، الذكر والأنثى، ويقدم بنو أبي طالب، ويقدم منهم بنو علي وفاطمة عليهما السلام، ويقدم منهم بنو محمد بن الحسن الإمام المهدي ع.**

**اول:** مستحقّ خمس در این گروه‌های سه‌گانه (مسکین، یتیم و در راه مانده) فرد مؤمن از فرزندان عبدالمطلب است و آنها عبارتند از: مذکر و مؤنث از فرزندان ابوطالب، عباس، حارث و ابولهب، و از بین آنها فرزندان ابوطالب مقدم هستند و از میان فرزندان ابوطالب فرزندان علی و فاطمه (علیهما السلام) و از بین فرزندان علی و فاطمه، فرزندان محمد بن الحسن المهدی ع مقدم هستند.

**الثانية: لا يجب استيعاب وشمول كل طائفة من الطوائف الثلاث عند إعطائهم الخمس، بل لو اقتصر على إعطاء واحد من كل طائفة جاز ذلك، ويجوز أيضاً أن يخص بالخمس طائفة منهم كأن يختار الأيتام فقط، أو المساكين فقط.**

**دوم:** شمول و فراگیری هر گروه از این گروه‌های سه‌گانه هنگام اعطای خمس واجب نیست، بلکه می‌تواند به اعطای یک نفر از هر گروه اکتفا کند و نیز جایز است یک گروه را به خمس مختص کند. مثلاً فقط ایتام یا مساکین را برگزیند.

**الثالثة: يقسم الإمام من مال الخمس على الطوائف الثلاث قدر الكفاية مقتصداً، فإن فضل وزاد منه شيء كان ملكاً للإمام، وإن أعوز ونقص أتم لهم من نصيبه.**

**سوم:** امام از مال خمس به اندازه کافی ببا میانه‌روی- بین سه گروه تقسیم می‌کند و اگر مقداری از آن اضافه آمد ملک امام خواهد بود و اگر کم آمد از سهم خود جبران خواهد کرد.

الرابعة: لا يحل للمكلف نقل الخمس إلى غير بلده مع وجود المستحق فيه، ولو نقله - والحال هذه - وتلف المال ضمن المكلف وأعاد إخراجه، ومع عدم وجود المستحق في بلده يجوز نقله. كل ذلك يكون بعد إذن الإمام ع في إخراجه ودفعه، وإلا فالتسليم يكون له كما يتضح الآن.

**چهارم:** مكلف جازي نیست خمس را با وجود مستحق در سرزمین خود به سرزمین دیگری منتقل کند و اگر چنین کند و آن مال از بین رود، مکلف ضامن خواهد بود و باید دوباره آنرا پرداخت کند. در صورت نبودن مستحق در سرزمینش منتقل کردن آن جازي است. همه اینها بعد از اذن و اجازه امام ع به خارج کردن و پرداخت خمس جازي خواهد بود و گرنه مال به وی تحویل می شود، همان گونه که در ادامه روشن خواهد شد.

## خاتمة: في إخراج الخمس وتسليمه

### خاتمة: خارج کردن خمس و تحویل آن

بعد أن عرفنا بعض ما يتعلق بالخمس، نريد الآن إيصال الحق إلى صاحبه بسلام وبراءة ذمّة تأتي بتوفيق الله وفضله. وقبل كل شيء نريد أن نعرف أن الخمس إذا تعلق بشيء من الأشياء فهل يجوز إخراج قيمته بدل عينه، ثم أي قيمة تلحظ لذلك الشيء هل هي قيمته عند الشراء أو عند التخميس؟

پس از اینکه مقداری درباره خمس دانستیم، حال می‌خواهیم حق را به سلامت به صاحبش برسانیم و ذمه خود را با توفیق و فضل خداوند بری کنیم. پیش از هر چیز می‌خواهیم بدانیم اگر خمس به چیزی تعلق گرفت، آیا می‌توان به جای آن مبلغ معادلش را کنار گذاشت؟ به علاوه کدام قیمت برای آن شیء در نظر گرفته می‌شود؟ آیا قیمت آن هنگام خرید یا هنگام کنار گذاشتن خمس آن؟

الجواب: يجوز إخراج قيمته، وتحسب عند التخميس.

**پاسخ:** می‌توان مبلغ معادل آن را کنار گذاشت و این مبلغ هنگام خارج کردن خمس محاسبه می‌شود.

ثم هل بإمكان المكلف تقسيم نصفي الخمس، ثم هو يعطي اليتيم أو المسكين أو ابن السبيل بنفسه وبلا إذن من الإمام، أو يقوم بتسليم خمسه كله إلى الإمام؟

به‌علاوه آیا امکان دارد مکلف خمس را به دو نصف تقسیم کند، سپس خودش بدون اجازه امام آن را به یتیم، مسکین و در راه مانده بدهد یا باید همه خمس خود را به امام تسلیم کند؟

الجواب: يسلم الخمس إلى الإمام ع، وهو يصرفه حيث يشاء. نعم، قد يعطي الإمام إنشاً للمكلف في أن يعطيه هو لمستحقه بنفسه مباشرة (7).

7- وقد حصل مثل ذلك وأجاز الإمام ع بعض المؤمنين في صرف الخمس على المحتاجين في بلد السائل، انظر الملحق (2).

**پاسخ:** خمس به امام ع تحویل داده می‌شود و او آنرا هر جا بخواهد مصرف می‌کند. آری، گاهی امام به مکلف اجازه می‌دهد خود او به طور مستقیم خمس را به مستحقش بدهد. (۸)

**ولما كان الخمس للمعصوم ع فليس بوسع أحد استلام ذلك الحق من الآخرين من دون أن يكون عنده إذن من الإمام في استلامه عنه. ولو استلمه من عنده إذن فيجب عليه إيصاله إلى الإمام، أو التصرف فيه وفق مشيئة الإمام ع، ولا ضمان عليه إذا تلف إلا إذا كان مفرطاً.**

از آنجاکه خمس از آن معصوم ع است، کسی نمی‌تواند بی‌آنکه از سوی امام اجازه دریافت آنرا به‌جای وی داشته باشد، این حق (خمس) را از دیگران تحویل بگیرد و اگر با اجازه امام آنرا تحویل بگیرد، بر وی واجب خواهد بود که آنرا به امام برساند یا طبق خواسته امام ع در آن دخل و تصرف کند و در صورت از بین رفتن آن ضمانتی بر عهده وی نخواهد بود مگر اینکه افراط کرده باشد.

**ولو استلمه أحد بلا إذن أثم وكان ضامناً له إذا تلف، ويجب عليه تسليمه إلى الإمام. وأما من أعطى الخمس فلا تبرأ ذمته إلا أن أعطاه للإمام أو من كلفه الإمام أو أن يبرأ الإمام ذمته.**

اگر کسی بدون اجازه (امام) آنرا دریافت کند، گناه کرده و اگر از بین برود ضامن است و بر وی واجب است آنرا به امام تحویل دهد. در مورد کسیکه خمس را پرداخت کرده است تکلیف از عهده وی ساقط نمی‌شود مگر اینکه آنرا به امام یا کسی که امام او را مکلف کرده است بدهد یا امام تکلیف را از وی ساقط کند.

**وأما إذا توسط شخص في إيصال الخمس لا بقصد الاستلام من الآخرين، إنما كان ناقلاً فقط إلى الإمام أو من أجازة في الاستلام عنه، فهل يجوز ذلك، وماذا لو تلف في يده؟**

اگر شخصی در رساندن خمس بدون اینکه هدفش دریافت از دیگران باشد - واسطه شود و تنها فقط تحویل دهنده به امام یا کسی که امام به وی اجازه دریافت به جای وی را داده است باشد، آیا این کار جایز است؟ و اگر مالی که در دست وی است از بین رود چه خواهد شد؟

**الجواب: يجوز ولا يضمن لو تلف في يده دون تقصير.**

۱- همانند چنین موردی اتفاق افتاد و امام ع به برخی از مؤمنان اجازه داد تا پرسشگر خمس را برای محتاجان شهر خود صرف کند؛ به پیوست ۲ مراجعه شود.

**پاسخ:** جایز است و اگر بدون تقصیر و کوتاهی در دست وی تلف شود ضمانت آن بر عهده وی نخواهد بود.

**والکلام نفسه يأتي في الصلّة، فهي أيضاً مال للإمام، وحاله كالخمس من هذه الجهة.**

همین حکم در مورد صله نیز صدق می کند. صله نیز مالِ امام و وضعیّتش از این نظر همانند خمس است.



